تیغ اسلام‌ستیزی اروپا مقابل رشد اسلام

رویکرد

دکتر سیدرضا میرطاهر

تحولات اخیر ضداسلامی در اروپا به ویژه در فرانسه با انتشار کاریکاتورهای اهانت‌آمیز به ساحت مقدس پیامبر اکرم(ص) در نشریه فکاهی شارلی ابدو و واکنش‌های خشونت بار به آن، بار دیگر مسئله اسلام‌هراسی Islamophobia و در شکل جدیدتر آن یعنی اسلام‌ستیزی را در کانون توجه رسانه‌ها قرار داده است.

در واقع اسلام‌هراسی در غرب هر روز ابعاد جدیدتری پیدا کرده و دولت‌ها و رسانه‌های غربی بر آتش آن می‌دمند. این واژه، به تبعیض یا تعصب علیه اسلام و مسلمانان اشاره می‌کند. اکنون دامنه اسلام‌هراسی توسعه یافته و به اسلام‌ستیزی یعنی برخوردهای عملی با اسلام و مسلمانان در غرب تبدیل شده است. این برخوردها ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای پیدا کرده است. واژه اسلام‌هراسی نخستین بار در دهه ۱۹۸۰ مطرح شد، اما پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ کاربرد عمومی‌تری پیدا کرد. در قالب مفهوم اسلام‌هراسی گزاره‌های مختلفی نهفته که از جمله آنها می‌توان به ترس و نفرت از مسلمانان و این تصور که اسلام هیچ ارزش مشترکی با دیگر فرهنگ‌ها ندارد، در جایگاه نازلی نسبت به غرب است و در نهایت این ادعا که اسلام نه یک دین آسمانی بلکه یک ایدئولوژی خشونت‌آمیز سیاسی است، اشاره کرد. اسلام‌هراسی به طور مشخص در قالب ایجاد هراس از دین و شریعت اسلام، جوامع اسلامی و تمدن اسلامی ظهور پیدا کرده است.

■ اسلام‌ستیزی در اروپا

در بریتانیا، فرانسه، آلمان و برخی دیگر کشورهای اروپایی، اسلام‌ستیزی و اعمال خشونت‌های کلامی و فیزیکی و اعمال تبعیض علیه مسلمانان با توجه به رشد چشمگیر گروه‌ها و احزاب راست‌گرای افراطی و افزایش محبوبیت سیاستمداران پوپولیست در سال‌های اخیر روندی افزایشی پیدا کرده است. حمله به مساجد و آتش زدن اماکن عبادی اسلامی، حملات فیزیکی و لفظی علیه مسلمانان و حتی غیرمسلمانانی که ظاهری شبیه به مردم کشورهای اسلامی در غرب آسیا دارند و تبعیض علیه پیروان اسلام در موارد مختلف تحصیلی و شغلی، تنها برخی از نمونه‌های اسلام‌هراسی در جوامع غربی هستند که باعث بروز خشونت‌های بی‌سابقه علیه مسلمانان شده است. حمله به دو مسجد در نیوزیلند در ۱۵ مارس ۲۰۱۹ و کشتار ده‌ها نفر از مسلمانان به دست راست‌گرایان افراطی نژادپرست نشان داد که تبلیغات اسلام‌ستیزانه و ترویج اسلام‌هراسی توسط سران غربی مانند ترامپ چگونه می‌تواند موجب تشویق نژادپرستان برای اقدامات خشونت‌بار علیه مسلمانان شود.

■ کارزاری نامقدس

در سال‌های اخیر شاهد تلاش نظام‌مند و گسترده‌تر غربی‌ها در زمینه مبارزه با اسلام و پیامبر اکرم(ص) در چارچوب پدیده اسلام‌هراسی و اخیراً هم اسلام‌ستیزی هستیم. نمونه اخیر، تلاش برای اهانت و حتی به سخره گرفتن پیامبر گرامی اسلام(ص) از طرف برخی نشریات اروپایی به ویژه نشریه فکاهی شارلی ابدو است که در چندین نوبت بدون اعتنا به اعتراضات گسترده مسلمانان در سراسر جهان، اقدام به نشر کاریکاتورهای اهانت‌آمیز به ساحت مقدس پیامبر اسلام(ص) کرده است. دلیل این کارزار گسترده ضداسلامی، هراس دولت‌های غربی از گسترش سریع اسلام در اروپاست. اکنون ۱۰درصد جمعیت فرانسه را که به کانون اقدامات اسلام‌ستیزانه در اروپا تبدیل شده، مسلمانان تشکیل داده‌اند و در عین حال اسلام با رشد سریعی در این کشور پیشرفت می‌کند. همین مسئله زنگ خطر را برای سیاستمداران و نیز کلیسای کاتولیک فرانسه به صدا درآورده است. اقدامات اسلام‌ستیزانه اخیر در کشورهای اروپایی در سال ۲۰۲۰ به ویژه آتش زدن قرآن کریم در سوئد و نیز اقدام مجله فکاهی فرانسوی شارلی ابدو در چاپ مجدد کاریکاتورهای موهن درباره پیامبر اسلام(ص) نشان می‌دهد که جریان‌های ضداسلامی با نیروی بیشتری درصدد مقابله با اسلام و نیز ارائه چهره‌ای ناپسند از پیامبرعظیم‌الشأن این دین آسمانی هستند. هدایت این جریان ضداسلامی را راست‌گرایان افراطی بر عهده دارند که در سال های اخیر با توجه به دو پدیده یعنی وقوع بحران اقتصادی در اروپا از سال ۲۰۰۸ به بعد و نیز رکود اقتصادی بی‌سابقه کنونی ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا و بیماری کووید۱۹ و نیز هجوم پناهجویان که اکثریت قریب به اتفاق آنها را مسلمانان تشکیل می‌دهند، توانسته‌اند با جلب افکار عمومی در اروپا، موقعیت خود را به تدریج ارتقا داده و همراستا با آن اقدامات اسلام‌ستیزانه خود را نیز گسترش دهند. بنیاد تحقیقات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی «ستا» در سپتامبر ۲۰۱۹ اعلام کرد، ظهور راست افراطی در اروپا منجر به افزایش چشمگیر در موارد اسلام‌هراسی و در نتیجه تهدید امنیت و ثبات اروپا شده است. به گفته نصرت‌الله تاجیک، کارشناس سیاسی «روند به نحوی شده که جوامع مسلمان اگر پیش از این در غرب احساس امنیت داشتند اکنون چنین احساسی را ندارند و تحت فشار اسلام‌هراسی هستند.»

■ حمایت مکرون

مسئله مهم در این زمینه حمایت کامل امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه از اقدامات اسلام‌ستیزانه از جمله چاپ کاریکاتورهای اهانت‌آمیز علیه پیامبر اکرم(ص) به بهانه حفظ آزادی بیان به ویژه آزادی کفرگویی در فرانسه است. این رویکرد نادرست و اصرار بر ادامه آن، موجب بروز واکنش‌های متقابل و خشونت بار به صورت وقوع حملات با سلاح سرد در نقاط مختلف فرانسه شده و این کشور بزرگ اروپایی را با چشم‌اندازی هراسناک مواجه ساخته است. توالی حوادث خونین در فرانسه هفته‌های اخیر که بیشتر به صورت حملات با سلاح سرد انجام شده در واقع واکنشی به تداوم اسلام‌ستیزی در فرانسه بوده و نشان می‌دهد رویکرد لجوجانه و غیرمنطقی مکرون در حمایت همه‌جانبه از اقدامات اسلام‌ستیزانه از جمله اصرار نشریه فکاهی شارلی ابدو بر ادامه انتشار کاریکاتورهای هجوآمیز از پیامبراکرم(ص) آن هم به بهانه آزادی بیان حاصلی جز تحریک مسلمانان و افزایش تنش‌ها و تقابل‌ها در جامعه فرانسه به همراه ندارد و تداوم روند کنونی می‌تواند به افزایش غیرقابل باور خشونت‌ها در این کشور اروپایی بینجامد. البته مکرون این بار نیز بدون اینکه به نقش مهم موضع‌گیری‌های اسلام‌ستیزانه‌اش در شکل‌گیری و تداوم این حملات اشاره‌ای نماید حمله اخیر با چاقو در شهر نیس را «حمله تروریستی اسلام‌گرایان» توصیف کرد و گفت: «فرانسه در دفاع از ارزش‌های خود هرگز تسلیم ترور نخواهد شد.» در واقع موضع‌گیری‌های مکرر اسلام‌ستیزانه مکرون در دفاع از انتشار کاریکاتورهای موهن از پیامبر اکرم(ص) و اصرار در ارائه لایحه‌ای ضداسلامی سبب شده فرانسه روی خط تنش و ناامنی قرار بگیرد. به گفته سیدهادی برهانی، کارشناس مسائل غرب آسیا، فرانسه یکی از آزادترین کشورها در توهین به ارزش‌های اسلامی و اسلام‌ستیزی است. این مسئله یعنی کنش و واکنش‌ها مورد توجه محمدجواد ظریف وزیر خارجه ایران قرار گرفته است. وی در توئیتی ضمن محکوم کردن حمله اخیر در نیس نوشت: «این دور باطل تشدیدی - نفرت‌پراکنی، تحریک و خشونت - باید با منطق و عقلانیت جایگزین شود. همگان باید بدانند که افراط‌گرایی تنها افراط‌گرایی بیشتر به همراه می‌آورد و نمی‌توان از طریق تحریک‌آفرینی‌های زننده به صلح دست یافت.» استناد مکرون به «آزادی بیان» در کشورش برای توهین به مقدسات اسلامی، انتقادهای زیادی را در خود فرانسه نیز برانگیخته است. توهین به مقدسات در بسیاری کشورهای جهان، حتی در برخی کشورهای با نظام‌های سکولار و مبتنی بر جدایی دین از سیاست نیز جرم‌انگاری شده است.

> ۱۰درصد جمعیت فرانسه را که به کانون اقدامات اسلام‌ستیزانه در اروپا تبدیل شده، مسلمانان تشکیل داده‌اند و همین مسئله زنگ خطر را برای سیاستمداران و نیز کلیسای کاتولیک فرانسه به صدا درآورده است

■ مقابله با توجیه مکرون

در واقع موضع‌گیری مکرون و تلاش وی برای همسان نشان دادن اسلام و تروریسم و ارائه چهره‌ای خشن و طرفدار خشونت بی حد از آن، با هدف ارائه تصویری نادرست از این دین آسمانی و یافتن بهانه‌ای جدید برای تشدید فشار علیه مسلمانان ساکن فرانسه و تداوم اقدامات اسلام‌ستیزانه صورت گرفته است. در حالی که شخصیت‌های اسلامی به صراحت این موضوع را نفی کرده‌اند. سیدحسن نصرالله دبیرکل جنبش حزب‌الله لبنان ضمن تأکید بر اینکه مسلمانان نمی‌توانند هیچ‌گونه توهینی به پیامبر را کرده یا بپذیرند و با محکوم کردن حادثه نیس فرانسه گفت: این موضوع نباید به حساب اسلام - که کشتن بی‌گناهان را حرام می‌داند - نوشته شود. مقامات فرانسه نمی‌توانند مسلمانان را مسئول جنایت شهر نیس بدانند. وی همچنین این پرسش را مطرح کرد که «اگر یک مسیحی چنین جنایتی مرتکب می‌شد، آیا درست بود کسی بگوید مسیحیان جهان مسئول این جنایت هستند؟ اما متاسفانه مقامات فرانسه این کار را با اسلام و مسلمانان می‌کنند.» در واقع اشاره نصرالله به مغالطه‌ای است که همواره از سوی غربی‌ها مطرح شده و طبق آن، عملاً اقدامات تروریستی شمار بسیار اندکی از افراط‌گرایان دارای گرایشات تکفیری را به پای همه مسلمانان و اسلام گذاشته و حکمی ناعادلانه و خلاف واقع درباره آنها صادر کرده و همه مسلمانان را تروریست و خشونت‌مدار تلقی و حتی از واژه فاشیسم اسلامی استفاده می‌کنند.

چالش

محمدعلی شیخ‌الاسلامی

سنگ‌بنای هویتی ماندن امریکا در عراق

این را بارها شنیده‌ایم که «میخواهی شخصی یا قومی یا ملتی را نابود کنی؛ هویتش را از او بگیر.» زبان مشترک، وابستگی‌های جغرافیایی، فرهنگ و ارزش‌های یکسان و ... از جمله عناصری هستند که هویت ملی ما را شکل می‌دهند. هویت فردی، عامل قدرت و صلابت فردی است و وقتی دایره‌اش از فرد به جمع و در نهایت به یک سرزمین می‌رسد، عامل قدرت، استقلال و یکپارچگی مردم آن سرزمین است. هویت، ارزشمندترین ثروت یک قوم برای مقابله با بحران‌های داخلی و تهدیدهای خارجی است؛ چراکه این اشتراکات هویتی است که افراد را حول یک هدف واحد، متّحد در کنار هم قرار می‌دهد و برای نیل به هدفشان جان می‌دهند، اما هویت‌شان را نه. برای همین است که راه نفوذ در میان اقوام و گروه‌ها، ضربه زدن به این اشتراکات و سست کردن پایه‌های اتّحاد برگرفته از این اشتراکات است. این، همان کاری است که امریکا در کشورهای منطقه در حال انجام آن است و نمود آن را بیش از هرجایی در کشور دوست و همسایه، عراق می‌بینیم.

بیش از چهار دهه است که عراق، درگیر استبداد و جنگ و ناآرامی است. جوان عراقی امروز از زمانی که چشم باز کرده خود را درگیر ناآرامی‌ها و ناامنی‌ها دیده است. تا ۱۷ سال پیش یک حکومت خودکامه بر سر کار بود و رعب و وحشت و قلدری‌های یک دیکتاتور، پیش چشمان مردم درد کشیده قرار داشت. بعد از آن، جنگ و اشغال و ناامنی ناشی از حضور اشغالگران و توطئه ائتلاف غربی-عربی در ظهور و قدرت بخشیدن به داعش در عراق، عرصه را بر مردم عراق سخت و سخت‌تر کرد. هنوز شیرینی شکست داعش در عراق، به کام مردم ننشسته بود که فسادهای مستمر حکومت‌هایی که هرکدام به نوعی اموال این ملت رنج کشیده را به تاراج بردند با فضاسازی‌های رسانه‌ای راه تنفس را بر آنها بست و چاره را در حضور در خیابان‌ها دیدند. هر حکومتی که با امریکا بیشتر دست به زدوبند می‌زد، فساد در آن حکومت بیشتر سر باز می‌کرد. نگاهی به آمار و ارقام اعلامی، نشان می‌دهد که حضور امریکا تا چه حد فساد مالی برای عراق به ارمغان آورده است. در سال ۱۳۹۰ رئیس پارلمان عراق اعلام کرد بیش از ۱۸ میلیارد دلار از پول نفت مردم عراق ناپدید شده است. این آمار وقتی معنی پیدا می‌کند که بدانیم تمام درآمد حاصل از فروش نفت عراق، به بانک‌های امریکایی واریز می‌شود و از آنجا برای اهداف امریکا در عراق مورد گروکشی قرار می‌گیرد. این اعداد و ارقام در حال حاضر بسیار پیچیده‌تر از این است و برای همین، ابزار فشاری برای تهدید عراق در صورت اخراج امریکایی‌ها شده است.

■ عراق مهد تمدن تا عراق امروز

اما چرا مطالبه مردمی برای خروج امریکا از عراق جدی نیست؟ به جز یک تظاهرات نمایشی با دعوت مقتدا صدر، آن هم پس از ترور یک فرمانده ارشد نظامی کشور، حضور مردم، بیش از آنکه به واسطه دشمنی با امریکا باشد، به واسطه لبیک به مقتدا صدر بوده است. چرا این تظاهرات تا اخراج امریکا استمرار پیدا نمی‌کند؟ آن هم در وضعی که توافقات پیدا و پنهان با امریکایی‌ها، عرصه را برای حضور بیشتر این اشغالگران بازتر کرده است و این، چیزی نیست که بر مردم پنهان مانده باشد. کار به جایی رسیده که جوان عراقی، آینده‌ای را پیش روی خود نمی‌بیند، امیدی به آینده ندارد و هیچ منجی برای نجات از این وضعیت و بحران برای کشورش متصور نیست.

عراقی که روزگاری مهد تمدن‌ها بود، عراقی که روزگاری قدرت جهان اسلام بود، عراقی که به گفته تحلیلگران سیاسی امروز، مهم‌ترین کشور منطقه از لحاظ ژئوپلتیک، منابع انرژی و بافت جمعیتی است، چرا باید به این وضع دچار شود؟ نگه داشتن عراق در این وضع، بیش از همه به نفع چه کسی است؟ تا زمانی که مردم عراق بی‌اعتنا به هویت ملی خود و ناامید نسبت به آینده کشور خود باشند، وحدتی که همه را سر یک آرمان و غایت گرد آورد، محقّق نخواهد شد. این عراق، حضور اشغالگر را به خود می‌پذیرد و خدشه بر استقلال و حاکمیتش کمتر آن را به رنج می‌آورد. جوان تخدیرشده امروزی عراقی مادامی که هویتش به او بازگردانده نشود، حضور امریکا در کشورش را می‌پذیرد و این بازی امریکاست که عراق را در همین حالت نگه داشته و با وجود اینکه درآمد منابع عراق در دستش است، هیچ ردّی از توسعه و آبادانی در عراق امروز دیده نمی‌شود.

اگر جوان عراقی به عراقی بودنش، به استقلال و آزادی کشورش دل نبسته باشد، امریکا هم که از این کشور خارج شود، روح و جان مردم، دل داده به امریکا خواهد بود و همین، بار دیگر زمینه‌ساز حضور پرشورتر امریکا خواهد شد. بنابراین بزرگتر از بحران سیاسی-امنیتی، اختلافات قومی-مذهبی و هر بحران بزرگ دیگری برای مردم عراق، بحران «هویت» است. بهتر است بگوییم ریشه تمامی این بحران‌ها، بحران «هویت» است.

■ سنگ‌بنای مناسبات تهران با بغداد

احیای هویت عراقی، همان رمز و رازی است که می‌تواند برگ برنده جمهوری اسلامی ایران باشد. باید تمام مناسباتمان با عراق بر مبنای هویت‌بخشی به مردم عراق باشد. ماهی دادن دست جوانان عراق، هنر جمهوری اسلامی نیست. هنر آن است که ماهیگیری را به جوان عراقی بیاموزیم تا خودش با دست خودش عراق را آباد کند. عراق قدرتمند، عراق همپیمان و عراق امن، عراقی است که مردمش به هویت ملی‌شان افتخار کنند، برایش جان بدهند و بدخواه هر آنی باشند که تیشه به ریشه آن می‌زند. حضور ایران در تمامی عرصه‌ها باید مقوم هویت عراقی باشد نه مخدوش‌کننده و زائل‌کننده آن. زیرساخت‌های عراق را به دست خود عراقی‌ها آباد کنیم و در این بین فقط تسهیلگر این امر باشیم. در کنار تبادلات تجاری که شرکت‌های ایرانی با عراق دارند، بستر تأسیس و ساخت شرکت‌ها و کارخانه‌های بومی را در عراق فراهم کنیم، زیرساخت‌ها را به دست خودشان بسازیم و نقش اصلی در توسعه و آبادانی عراق را به خودشان بسپاریم. وقتی جوان عراقی، خود را سهیم در توسعه و آبادانی کشورش ببیند، آن وقت است که هویت به او باز می‌گردد، آن وقت است که عراق قوی، امن و مستقل خواهیم داشت و این استقلال و قدرت عراق، ضامن امنیت همسایه‌ها از جمله جمهوری اسلامی ایران نیز خواهد بود. این عراق قدرتمند با هویت است که دیگر حضور اشغالگر را به خود نخواهد دید و با توسعه زیرساختی و اقتصادی، دیگر تن به هر قرارداد تجاری با امریکا نخواهد داد. امریکا اگر عراق را به عنوان مهم‌ترین کشور تحت اشغالش از دست بدهد، دومینوی سقوطش در منطقه راه خواهد افتاد و خروج از تمام منطقه میسّر خواهد شد و چنین نظامی که بر پایه سلطه و اشغال و چپاولگری شکل گرفته است، دیری نخواهد پایید که با از دست رفتن ابرقدرتی‌اش، رو به زوال خواهد رفت.

تحلیل

دعوی غیرسیاسی بودن سیاسی‌ترین نخست‌وزیر لبنان

سعد حریری در چهارمین دور از نخست‌وزیری چالش‌هایی جدی دارد

■ سیدنعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده

تقریباً دو ماه پیش بود از سعد حریری به عنوان یکی از گزینه‌های مطرح برای پست نخست‌وزیری لبنان نام برده می‌شد اما او با صدور بیانیه‌ای در روز سه‌شنبه ۲۵ آگوست به صراحت اعلام کرد: «نامزد دوره جدید نخست‌وزیری نمی‌شوم و از همه انتظار دارم نام مرا از رایزنی‌ها در این خصوص کنار بگذارند.» با وجود این، نام او در فهرست پیشنهاد برخی فراکسیون‌ها و نمایندگان پارلمان به رئیس‌جمهور لبنان میشل عون باقی ماند تا اینکه سرانجام، عون در روز پنج‌شنبه ۲۲اکتبر حریری را به عنوان کاندیدای مورد نظر خود برای نخست‌وزیری لبنان به پارلمان این کشور معرفی کند. به این ترتیب، حریری تنها ۹ ماه بعد استعفا از مقام نخست‌وزیری از سوی عون برای این سمت تعیین شد تا اینکه برای چهارمین بار مأمور تشکیل کابینه لبنان شود. با این حال، آرای پارلمان نشان داد که او مسیر چندان راحتی در پیش رو ندارد زیرا از مجموع ۱۲۰ رأی نمایندگان پارلمان تنها ۶۵ نماینده رأی مثبت به او دادند و این نشان‌دهنده حمایت اکثریت ضعیفی از نخست‌وزیری حریری بود.

■ شرط حریری

حریری در ابتدای این دور از نخست‌وزیری شرط کرد که وزرای خود را از میان متخصصان یا اصطلاحاً تکنوکرات‌ها انتخاب خواهد کرد و نه از میان اهل سیاست تا اینکه وزرای دولت جدید بدون وابستگی حزبی و سیاسی بتوانند لبنان را از بحران بزرگ اقتصادی و شرایط وخیم ناشی از همه‌گیری کرونا نجات بدهند. این شرط حریری بیش از هر چیزی با نگاه به طرح فرانسه برای کمک به لبنان است که از سوی رئیس‌جمهور فرانسه امانوئل مکرون و دو نوبت دیدار او از بیروت مطرح شد. مکرون طی دو سفری که بعد از انفجار بزرگ بندر بیروت در ۴ آگوست انجام داد، طرح دو صفحه‌ای را به لبنان پیشنهاد کرد که به وسیله سفیر فرانسه در لبنان به مقامات این کشور داده شد. موضوعات مطرح شده در این طرح شامل بررسی ممیزی حساب‌های بانک مرکزی، تشکیل دولت موقت قادر به انجام اصلاحات فوری و اجرای انتخابات زودهنگام در عرض یک سال است و چهار موضوع نیز به عنوان موضوعاتی مطرح شده که نیاز به رسیدگی فوری دارند. این چهار موضوع عبارتند از کمک‌های انسانی و برخورد مقامات با ویروس همه‌گیر کرونا، بازسازی خرابی‌های ناشی از انفجار چهارم آگوست، اصلاحات سیاسی و اقتصادی و انتخابات پارلمانی. مکرون به نوعی این طرح را پیش‌شرط کمک‌های جهانی کرده تا لبنان بتواند برخوردار از کمک‌های نهادهای بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول بشود. حریری بعد از رأی پارلمان به نخست‌وزیری‌اش به این طرح متوسل شد تا وعده تشکیل یک دولت متخصص را بدهد و در پارلمان گفت که یک دولت متخصص تشکیل خواهد داد تا مطابق با ابتکار فرانسه برای ایجاد اصلاحات در لبنان کار بکند. با این حال، به نظر می‌رسد که شرط حریری برای تشکیل یک دولت متخصص چنان که وعده‌اش را داده عملی نباشد زیرا او قبل از این هم وعده تشکیل چنین دولتی را داده بود. او در سال گذشته سه شرط تخصص وزرا و نه وابستگی سیاسی و حزبی را مطرح کرده بود اما تجربه نشان داد که نتوانست از پس این شرط بربیاید.

■ مسئله دولت تکنوکرات

یک نکته اصلی در شکست حریری برای تشکیل کابینه‌ای از متخصصان و نه سیاسیون موضوعی است که از سوی رهبر جریان ملی آزاد لبنان جبران باسیل مطرح شده است. به نظر باسیل؛ «هر فردی که می‌خواهد ریاست دولت تکنوکرات را به عهده بگیرد، در وهله اول خودش باید تکنوکرات باشد یا به نفع یک فرد متخصص و تکنوکرات کنار برود.» به عبارت دیگر، باسیل می‌گوید حریری با توجه به وابستگی سیاسی و حزبی اصولاً فردی تکنوکرات و متخصص نیست تا اینکه مدعی تشکیل چنین دولتی باشد. این انتقاد باسیل گویای شک و تردید او به جهت‌گیری حریری است که بعید است در تشکیل دولت صرفاً به تخصص و مهارت فردی کاندیداهای هر وزارتخانه توجه کند و در نهایت، این وابستگی افراد به احزاب و جریان‌های سیاسی است که ملاک حریری برای انتخاب افراد خواهد بود. از این رو است که باسیل با واقع‌بینی از وضعیت موجود سیاسی لبنان شعار «دولت تکنوکرات سیاسی» را مطرح کرده تا هم جنبه تخصص وزرا برای حل مشکلات و معضلات لبنان در نظر گرفته شود و هم ویژگی سیاسی آنها تا از حمایت احزاب در پارلمان برخوردار باشند. هرچند که این شعار باسیل چندان همخوانی با طرح مکرون نداشته باشد اما با واقعیت موجود در عرصه سیاسی لبنان همخوانی دارد و بر خلاف شعار دولت متخصصی است که از سوی حریری داده شد و به نظر می‌رسد از نگاه افرادی مثل باسیل بیشتر بهانه‌ای است برای حذف رقبای سیاسی از کابینه جدید لبنان یا اینکه دست کم نقش رقبای سیاسی در کابینه جدید به بهانه تخصص‌گرایی آنقدر کمرنگ شود که تأثیر چندانی نداشته باشد.

■ خوش‌بینی زودهنگام

روزنامه البنا پس از تعیین حریری به پست نخست‌وزیری، به نقل از منابع آگاه گزارش داد که تشکیل دولت جدید لبنان محصول توافق نهایی میان عون و حریری بر سر دو موضوع است: نخست؛ سهم مسیحیان در دولت و توزیع وزارتخانه‌ها و پست‌های مورد نظر برای فراکسیون‌های مسیحی در پارلمان و دوم؛ چرخشی شدن پست‌های وزارتی به استثنای وزارت دارایی که در اختیار گروه‌های شیعه است و رئیس پارلمان نبیه بری وزیر آن را معرفی می‌کند. البناء با توجه به توافق بر سر این دو نکته کلیدی، اظهار خوش‌بینی کرده بود که تشکیل دولت لبنان به سرعت پیش خواهد رفت و تا روزهای آینده نهایی شده و به نتیجه می‌رسد. با این حال، تجربه قبل از این نشان داده که فرایند تشکیل کابینه نمی‌تواند چنانکه این روزنامه پیش‌بینی کرده چندان زود به سرانجام برسد و باید گفت که خوش‌بینی البناء صرفاً یک خوش‌بینی زودهنگام است که به مرور رنگ می‌بازد. دلیل این امر در بحث‌هایی است که طی این روزها پیرامون تعداد وزرا و گردشی شدن کرسی‌های وزارتی و تقسیم وزارتخانه‌های حاکمیتی و خدماتی بین طوایف و احزاب پیش آمده است. به این جهت است که برخی منابع آگاه به روزنامه فرامنطقه‌ای الشرق‌الاوسط گفته‌اند که بحث و مذاکره درباره برخی موضوعات مربوط به تقسیم پست‌ها میان گروه‌ها و احزاب و نیز مسائل مرتبط با وزارتخانه‌های خدماتی همانند بهداشت و کار ادامه دارد و «انتظار می‌رفت که این مشکلات به سرعت برطرف شوند اما بازگشته‌اند و دوباره مشکل‌آفرین شده‌اند.» تارنمای العالم روز پنج‌شنبه ۱۹اکتبر از قول منابع جریان المستقبل تحت رهبری حریری گزارش کرد که تقریباً تکلیف تمام پست‌های وزارتی تعیین شده و تنها مسئله گردشی شدن پست‌های وزارتی است که قطعی نشده و به نظر این منابع به نظر نمی‌رسد مشکلی در این زمینه به وجود بیاید. به این جهت بود که منابع المستقبل وعده تشکیل دولت را در ظرف سه روز آینده دادند اما با گذشت این سه روز نه تنها دولت تشکیل نشده بلکه به نظر می‌رسد بحث‌ها در مورد سهمیه‌های وزارتی هنوز پایان نیافته است.

با توجه به گزارش‌هایی که در مورد تقسیم پست‌های وزارتی مطرح شده باید گفت که رویکرد باسیل و واقع‌گرایی این رویکرد بر دولت حریری سایه انداخته و او برای تشکیل کابینه‌اش در نهایت چاره‌ای جز این نداشت تا به نوعی نظر احزاب را جلب کند. با این حال، مسائل و مشکلات هنوز در پیش روی حریری هست و نمی‌گذارد او به سرعتی که تصور می‌شد کابینه را تشکیل دهد. برای مثال، موضوع کابینه‌ای متشکل از ۱۸، ۲۰، ۲۲ یا ۲۴ پست وزارتی از قبل نیز مطرح بوده و هنوز نیز مشکلی در راه حریری است. در حالی که حریری خود معتقد به دولتی با ۲۰ پست وزارتی است اما عون و جناح شیعی دولتی با ۲۴ پست وزارتی را ترجیح می‌دهند به خصوص این برخی گروه‌های کوچک همانند کاتولیک‌ها معتقدند سهم آنها در دولتی با ۱۷ یا حتی ۲۰ پست وزارتی رعایت نخواهد شد. در این بین، باید به جریان‌هایی مثل القوات اللبنانیه یا حزب ترقی‌خواه دروزی به رهبری سمیر جعجع و ولید جنبلاط نیز توجه کرد که از ابتدا با نخست‌وزیری حریری مخالفت کرده بودند و حتی جعجع گفته بود که حاضر نخواهد شد جریان او در کابینه حریری نماینده‌ای داشته باشد.

عدم حضور نماینده‌ای از جریان جعجع در کابینه به نفع دیگر احزاب مسیحی و به خصوص جریان ملی آزاد خواهد بود تا سهم بیشتر مسیحیان را در کابینه به دست آورند اما این اتفاق به معنای مشکلات دیگری برای حریری خواهد بود چه از ناحیه ائتلاف ۱۴ مارس که جعجع نیز در آن حاضر است و چه از لحاظ مخالفت‌هایی که نمایندگان جعجع با دولت حریری در پارلمان خواهند داشت. این موضوع با توجه به حمایت ضعیف پارلمان با ۶۵ رأی مثبت به او قابل توجه است و می‌تواند هشداری برای ادامه کار حریری باشد.